

رقابت قدرت‌های بزرگ و تداوم دشمنی در روابط ایران و امریکا

سعیده لطفیان^{*۱}، مهدی فقیه^۲

^۱استاد، گروه علوم سیاسی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه تهران

^۲دانش آموخته دکتری علوم سیاسی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه تهران

چکیده

هدف اصلی این پژوهش بررسی تأثیر تشدید رقابت قدرت‌های بزرگ بر روابط ایران با امریکا در حوزه امنیتی است. چین (و شاید روسیه) در تلاش بوده‌اند تا موقعیت فرومایه قدرت خود را در مقایسه با قدرت امریکا در نظام بین‌الملل تغییر دهند، و ممکن است در نهایت موفق شوند که به‌عنوان رهبر جهانی از ایالات متحده سبقت بگیرند. با تشویق دشمنان و رقبای منطقه‌ای ایران که تلاش‌های مربوط به حل و فصل منازعات با هدف پایان دادن به دشمنی طولانی‌شده دو کشور را به چالش کشیده‌اند، سیاستمداران واقع‌گرا و نومحافظه‌کار امریکایی متقاعد شده‌اند که از ایران‌هراسی (ترس غیرمنطقی از ایران) بیشترین سود را به‌دست می‌آورند، حتی به قیمت تشدید تنش‌ها که می‌تواند جنگ سرد بین دو کشور را به وضعیت همیشگی روابط متقابل تبدیل کند، و امنیت منطقه‌ای را تهدید کند. پرسش اصلی پژوهش این است که «چرا و چگونه هژمونی ایالات متحده و رقابت قدرت‌های بزرگ بر روابط متقابل ایران و امریکا تأثیر داشته است؟» در چارچوب نواقح گرایبی، و با استفاده از روش تحلیل محتوای کیفی بیانات مقامات و مهم‌ترین اسناد دولتی امریکایی در مورد راهبردهای امنیت ملی، و نیز تحلیل داده‌های آماری نشان‌دهنده ابعاد قدرت نسبی امریکا فرضیه زیر آزمون می‌شود: هرچه فشارهای اقتصادی بر ایران بر اثر تعلق اروپایی‌ها و امریکا برای رفع تحریم‌ها بیشتر شود، ایران برای مقابله با دشمنی امریکا ناگزیر به نزدیک‌تر شدن به چین و روسیه خواهد شد، و سیاستمداران امریکایی مصمم‌تر می‌شوند که روابط خود را با هم‌پیمانان و شرکای منطقه‌ای تقویت کنند. نتیجه کلی این است که رقابت قدرت‌های بزرگ برای گسترش برتری جهانی افزایش خواهد یافت و تأثیر نامطلوبی بر امنیت خلیج فارس خواهد گذاشت. با افزایش تنش بین امریکا، چین و روسیه، شاهد تداوم دشمنی در روابط ایران با امریکا و نزدیک‌ترین هم‌پیمانان منطقه‌ای آن خواهیم بود. در این شرایط مسابقه تسلیحاتی به‌ویژه در زمینه گسترش برنامه موشک‌های بالستیک و پهپادها از یک سو، و درگیری‌های نامنظم و هیبریدی تشدید خواهند شد.

واژگان کلیدی: روابط ایران-امریکا، هژمونی، دشمنی، رقابت قدرت‌های بزرگ، موازنه تهدید

* نویسنده مسئول، رایانامه: slotfian@ut.ac.ir

تاریخ دریافت: ۱ اسفند ۱۳۹۹، تاریخ تصویب: ۳ آبان ۱۴۰۰

۱. مقدمه

از حمله نظامی امریکا به عراق در ۲۰۰۳ تا کنون، میلیاردها دلار هزینه پنتاگون برای جنگ در خاورمیانه شده است، و هزاران سرباز امریکایی به منطقه اعزام شده‌اند. در روزهای پایانی ریاست جمهوری ترامپ نیروهای بیشتری به منطقه برای برخورد با «تهدید» ایران فرستاده شدند؛ و یکی از اهداف اصلی این تحرکات تضعیف قدرت نظامی ایران برای واداری به سازش کم‌هزینه مطلوب امریکا و هم‌پیمانان آن بیان شد. تضاد بین سیاست هژمونی‌طلبی امریکا و ضدهژمونی جمهوری اسلامی از مهم‌ترین عوامل تداوم دشمنی بین دو کشور است، زیرا یکی از شعارهای برجای‌مانده از زمان انقلاب به مقابله با سلطه امریکا در ایران و منطقه مربوط می‌شود. گاهی به نقش کنشگران منطقه‌ای (مانند اسرائیل و عربستان سعودی) در ایجاد موانع بر سر راه حل مسالمت‌آمیز مسائل مورد اختلاف ایران و امریکا از جمله برنامه هسته‌ای و موشکی ایران نیز توجه شده است.

برخی تحلیل‌گران به جنجالی‌ترین اقدامات سیاست خاورمیانه‌ای دولت ترامپ اشاره کرده‌اند، که عبارت بودند از: برقراری رابطه نزدیک‌تر با عربستان با فروش حجم زیادی جنگ‌افزار به ریاض و حمایت از جنگ علیه یمن، به رسمیت شناختن قدس به‌عنوان پایتخت اسرائیل و انتقال سفارت امریکا از تل‌آویو به این شهر، حمایت از قرارداد صلح ابراهیم و عادی‌سازی روابط اسرائیل با بحرین و امارات، موافقت با ورود اسرائیل به سنت‌کام، نادیده گرفتن تداوم کشتار هدفمند تل‌آویو برای حذف دانشمندان هسته‌ای ایران، خروج از برجام و فشار حداکثری بر ایران، ترور سردار سلیمانی و سایر فرماندهان نظامی ارشد ایران در عراق و سوریه، مذاکره با طالبان در دوحه برای رسیدن به توافق بر سر آینده سیاسی افغانستان، توانمندسازی دشمنان و رقبای منطقه‌ای ایران با فروش تسلیحات پیشرفته و آموزش نیروهای نظامی، قراردادن نام افراد و نهادهای مهم ایرانی در فهرست حامیان تروریسم، جنگ تبلیغاتی برای تضعیف روحیه ملت ایران، افزایش حضور نیروهای نظامی امریکایی در مناطق پیرامونی ایران به‌ویژه در خلیج فارس، بزرگ‌نمایی تهدید برنامه هسته‌ای و موشکی ایران در مجامع بین‌المللی، فشار بر گروه‌های هم‌پیمان ایران برای ایجاد شکاف و تضعیف نفوذ و قدرت منطقه‌ای ایران، اعلام «روی میز قرار داشتن راه‌حل حمله به ایران» برای تغییر رژیم مشابه حمله ۲۰۰۳ به عراق برای سرنگونی صدام.

در این پژوهش، علل مهم سیاست‌های دشمنانه امریکا در قبال ایران بررسی شده، و در پی یافتن پاسخ مناسب به پرسش‌های پژوهشی زیر بوده‌ایم: پرسش اصلی این است که چرا و چگونه هژمونی ایالات متحده و رقابت قدرت‌های بزرگ بر روابط متقابل ایران و امریکا تأثیر داشته است؟ پرسش‌های فرعی عبارت‌اند از: چه عوامل سیستمی بر جایگاه ویژه ایران در

راهبردهای امنیت ملی ایالات متحده تأثیر داشته است؟ رقابت قدرت‌های بزرگ تا چه حد در تغییر جایگاه ایران در راهبرد امنیت ملی آمریکا تأثیرگذار بوده است؟ چه آینده‌ای برای روابط ایران و آمریکا پیش‌بینی می‌شود؟ در فرضیه مورد آزمون در این مقاله استدلال می‌شود که هرچه فشارهای اقتصادی بر ایران بر اثر تعلل اروپایی‌ها و آمریکا برای رفع تحریم‌ها بیشتر شود، ایران برای مقابله با دشمنی آمریکا ناگزیر به نزدیک‌تر شدن به چین و روسیه خواهد شد، و سیاستمداران آمریکایی مصمم‌تر می‌شوند که روابط خود را با هم‌پیمانان و شرکای منطقه‌ای تقویت کنند. برای پاسخ‌گویی به پرسش‌ها و آزمون فرضیه، در چارچوب نواقح گرایشی، از روش تحلیل محتوای کیفی بیانات مقامات و مهم‌ترین اسناد دولتی آمریکایی در مورد راهبردهای امنیت ملی، و نیز روش تحلیل داده‌های آماری نشان‌دهنده ابعاد قدرت نسبی آمریکا استفاده شد.

روابط دو کشور در دوران جورج بوش پس از اشغال افغانستان و عراق و دولت ترامپ پس از خروج آمریکا از برجام بین دوره‌های جنگ سرد و درگیری‌های نامنظم نوسان داشت. در حالی که پس از توافق هسته‌ای (برجام) در دوران اوباما دوره‌های صلح سرد و صلح گرم در روابط این دو کنشگر مهم در خاورمیانه دیده شد. تغییر ماهیت روابط دو کشور اکنون با روی کار آمدن بایدن به بازگشت آمریکا به برجام و برداشتن تحریم‌ها علیه ایران بستگی دارد. به‌جز درگیری‌های بین نیروهای دریایی آمریکا و ایران در خلیج فارس در طی جنگ ایران و عراق، درگیری‌های آمریکا و ایران در دوران پسانقلاب بیشتر نامنظم و هیبریدی بوده است. این نوع جنگ‌ها شامل مواردی می‌شوند که نیروهای متخصص با همکاری نیروهای ثالث (از جمله کشورهای هم‌پیمان، شبه‌نظامیان، شبکه‌های جنایی، شرکت‌ها، هکرها و سایر نهادها و افراد) اقدام به ایجاد شرایط سردرگمی و آشفتگی در مورد امر غیرنظامی در برابر فعالیت‌های نظامی می‌کنند تا توانایی انکارپذیری را برای یک عمل معین داشته باشند. پیش‌بینی می‌شود که روابط آمریکا و ایران در حالت جنگ نامتقارن، نامنظم و هیبریدی حفظ شود، و تأکید دولت بایدن بر توانایی پهپادی و عملیات فراساحلی به‌ویژه پس از خروج نیروهای نظامی غرب از افغانستان احتمال بروز درگیری‌های نامتقارن را بیشتر می‌کند.

۲. راهبردهای امنیتی و دفاعی آمریکا و تهدیدانگاری ایران

موازنه قدرت^۱ اتحاد و همسویی با طرف ضعیف‌تر است. به قافله پیوستن^۲ به معنای ملحق شدن به طرف قوی‌تر است. به باور والت، این دیدگاه به‌طور جدی ایراد دارد، زیرا عوامل

1. Balancing

2. Bandwagoning

دیگری را که سیاستمداران در زمان شناسایی تهدیدها و هم‌پیمانان احتمالی، و تصمیم‌گیری در مورد سیاست‌های مناسب برای رفع تهدیدها در نظر می‌گیرند، نادیده می‌انگارد. اگرچه قدرت عامل مهمی در محاسبات آنها به‌شمار می‌آید، اما تنها عامل نیست. به‌جای متحد شدن فقط در پاسخ به قدرت، کشورها تصمیم می‌گیرند که به تهدیدکننده‌ترین قدرت پیوندند، و یا علیه آن موضع بگیرند. برای مثال، یک قدرت ضعیف‌تر احتمال دارد به دلایل دیگری خطرناک‌تر باشد، و کشور رقیب درصدد برمی‌آید تا از راه اتحاد با کشورهای قدرتمند به برقراری تعادل (موازنه قدرت) اقدام کند (Walt, 1985: 8-9). بیشتر کشورهایی که با تهدید خارجی روبه‌رو هستند، ترجیح می‌دهند که در مقابل آن تهدید موازنه برقرار کنند، به‌جای این‌که به آن کشور تهدیدکننده ملحق شوند، زیرا اتحادی که آزادی عمل یک کشور را بیشتر حفظ می‌کند، بر پذیرش وابستگی و فرمانبرداری از یک قدرت هژمون بالقوه ارجحیت دارد. از آنجایی که قصد و نیت می‌تواند تغییر کند؛ و برداشت‌ها اعتمادناپذیرند، برای کشورهای ضعیف‌تر موازنه در برابر تهدیدهای احتمالی در مقایسه با امید داشتن به خیرخواه بودن کشورهای قدرتمند کم‌خطرتر و مطمئن‌تر است (Walt, 1985: 15).

فرضیه وابستگی به اتحاد^۱ بیان می‌کند که کشورها در یک اتحاد باید دو ترس ناهمخوان را متعادل کنند: ترس از به حال خود رها شدن، و ترس از به دام افتادگی (Snyder, 1984). زمانی که ترس از رها شدن بیش از ترس از به دام افتادگی باشد، کشورها به یک اتحاد کمک خواهند کرد. کشورهایی که بیشترین ترس از رها شدن را دارند، بیشترین وابستگی را به شریک یا شرکای خود در این اتحاد دارند، زیرا جایگزینی منافع اقتصادی و نظامی حاصل از روابط اتحاد دشوار است (Gannon and Kent, 2020: 892). ایران در دوران پهلوی دوم تصمیم گرفت تا به قافله ایالات متحده پیوندد تا بتواند از برتری جهانی آمریکا بهره‌مند شود. بسیاری از کشورهای کوچک به دلیل توانایی‌های نظامی سرکوب‌کننده واشنگتن فکر می‌کنند که ایستادگی به سبک متوازن‌سازی تقابلی کلاسیک (ایجاد موازنه قدرت سخت) در برابر هژمون حاکم بر جهان دشوار و خطرآفرین است.

به هر روی، ایران پس از انقلاب راهبرد متفاوت مقاومت و استکبارستیزی را اتخاذ کرد، گرچه سیاستگذاران ایرانی آگاهی داشتند که قدرت در نظام بین‌الملل بیش از حد متمرکز است، و نامتعادل بودن قدرت می‌تواند کشور ضعیف‌تری مثل ایران را در معرض خطر تهاجم و تسخیر شدن از سوی برترین قدرت نظامی جهانی قرار دهد. با وجود این، ایجاد تعادل و توازن نظامی در برابر تهدید وجودی^۲ ناشی از حمله و تصرف خارجی برای تضمین امنیت

1. Alliance dependence
2. Existential threat

ملی انتخاب شد. رهبران ایرانی در این سال‌ها نیز در تلاش بوده‌اند تا با بازدارندگی تهاجم آمریکا و دستیابی به توانایی‌های لازم برای شکست آن در صورتی که در بازدارندگی موفق نبودند، با تقویت توانایی‌های نظامی (موازنه داخلی)، و مشارکت در ائتلاف‌های ضد هژمونی مانند محور مقاومت (موازنه خارجی) با هدف تبدیل شدن به قدرت مهم منطقه‌ای از بقای رژیم اطمینان حاصل کرده، و تمامیت ارضی کشور را حفظ کنند. سیاستمداران آمریکایی نیز بارها نگرانی خود را از افزایش قدرت ایران در خاورمیانه ابراز کرده‌اند، به این دلیل که می‌تواند در آینده به بروز مشکلات امنیتی برای ایالات متحده و هم‌پیمانانش در منطقه منجر شود. در دهه‌های اخیر، نومحافظه‌کاران آمریکایی بیش از هر گروه دیگری بر جهان‌شمولی سبک زندگی و ارزش‌های غربی پافشاری کرده‌اند، و از فرهنگ‌های متفاوت احساس تهدید می‌کنند. آیا ایران تهدیدی واقعی یا ساختگی برای ایالات متحده به‌شمار می‌آید؟ هدف از امنیتی‌سازی^۱ و بزرگ‌نمایی تهدید ایران در راهبردهای امنیت ملی و دکترین‌های رؤسای جمهور آمریکایی چیست؟

گرچه بررسی علل اقتصادی و سیاسی تداوم دشمنی بین ایران و آمریکا با اهمیت است، اما باید به تأثیر راهبرد کلان آمریکا بر این رابطه بیشتر توجه کرد. در روند برنامه‌ریزی امنیت ملی در ابتدای هر دولت جدید در واشنگتن، تهدیدها شناسایی شده و در اسناد راهبردی مانند راهبرد امنیت ملی و راهبرد دفاع ملی منعکس می‌شوند؛ و در نتیجه اغلب نشان‌دهنده تمایلات سیاسی و اولویت‌های رهبران ارشد هستند که مانند سایر افراد می‌توانند دچار سوگیری و تعصب بشوند. از این رو، این اسناد و برنامه‌هایی که بر اساس آنها در وزارتخانه‌ها و نهادهای دولتی در دولت فدرال طراحی و اجرا می‌شوند، اهمیت نسبی برخی تهدیدها را بیش از حد در نظر می‌گیرند، در حالی که در مورد برخی دیگر اهمیت آنها کم برآورد می‌شود. تهدیدها اغلب به صورت فهرستی ساده و بدون اولویت‌بندی ارائه می‌شوند. تهدیدهای مهم مشخص شده در سند راهبردی امنیت ملی به‌طور مثال در نهادهای فدرال با کمک اصول راهنمای راهبردی داخلی و سایر اسناد برنامه‌ریزی هر یک از آن نهادها از نو تفسیر و اجرایی می‌شوند. به‌طور مکرر از رئیس اطلاعات ملی^۲ و سایر مقامات اطلاعاتی مانند رئیس اف.بی.آی در جلسات خصوصی و عمومی خواسته می‌شود تا در مورد آنچه تهدیدهای مهم امنیت ملی شناسایی می‌کنند، اطلاعات به‌روز در اختیار سیاستگذاران در قوای مجریه و مقننه قرار دهند، گرچه فهرست این تهدیدها در اسناد رسمی تا حد زیادی ثابت نگه‌داشته می‌شوند. بنابراین بررسی این اسناد برای شناسایی آنچه رهبران آمریکایی در زمان حال تهدیدهای امنیتی مهم تلقی می‌کنند،

1. Securitization
2. National Intelligence

کافی نیست. «تهدید» با «خطرپذیری» (ریسک)^۱ تفاوت دارد، به طوری که خطرپذیری، پیامد یا تأثیر تهدیدی معین در زمان آشکار شدن است. راهبرد امنیت ملی باید بر اساس درک درست خطرپذیری، و نه تهدیدها تدوین شود. درک و رتبه‌بندی خطرپذیری باید به صورت پویا و با سازگار کردن با رویدادهای دنیای واقعی انجام شود (Brannen, 2021).

برای ارزیابی تهدیدهای امنیت ملی ایالات متحده، ۱۷ نهاد تشکیل دهنده جامعه اطلاعاتی آمریکا زیر نظر رئیس اطلاعات ملی (دی‌ان‌آی)^۲ مسئولیت نظارت بر تهدیدهای خارجی و داخلی را برعهده دارند. وزارت امنیت داخلی آمریکا (دی‌اچ‌اس)^۳ نخستین ارزیابی خود از تهدیدهای داخلی را در ۲۰۲۰ منتشر کرد. مسئولیت نظارت بر «سیستم رهنمودی ملی تروریسم» نیز برعهده این وزارت‌خانه است، که اطلاعات مربوط به تهدیدهای تروریستی خاص را برای آگاهی مردم این کشور فراهم می‌کند. آژانس امنیت سایبری و زیرساخت‌ها^۴ زیرمجموعه این نهاد عهده‌دار انجام وظیفه نظارت بر تهدیدها علیه زیرساخت‌های حیاتی مانند امنیت انتخابات، پالس‌های الکترومغناطیسی، امنیت سایبری خطوط لوله و مراکز ملی مهم، و موارد دیگر است؛ و اطلاعات گردآوری شده مربوط به این تهدیدها را به ذینفعان در بخش‌های دولتی و خصوصی با استفاده از راه‌های ارتباطی از جمله زیرمجموعه خود، «مرکز ملی مدیریت خطرپذیری»^۵ منتقل می‌کند. در گزارش‌های الزامی به کنگره، گاهی برخی تهدیدهای خاص فقط یک بار مطرح شده، و برخی دیگر به‌طور متناوب شناسایی می‌شوند. به دلیل ضعف اطلاعاتی، ارزیابی تهدیدها در زمینه امنیت ملی خوب انجام نشده است، و این امر به تمرکز بیش از حد بر یک تهدید و بیش از حد مهم جلوه دادن آن نسبت به سایر تهدیدهای امنیتی منجر شده است. در نتیجه، منابع بیشتر از حد مجاز برای مقابله با آن تهدیدها در نظر گرفته شده است، در حالی که تهدیدهای مهمی با کمبود منابع و یا توجه ناکافی روبرو بوده‌اند (Brannen, 2021).

تمام آموزه‌ها (دکترین‌ها)ی امنیت ملی آمریکا، به کاربرد احتمالی نیروی نظامی اشاره داشته، و اقدامات آمریکا را بر اساس اصول اخلاقی و ملاحظات رفتار اخلاقی توصیف کرده‌اند. آموزه‌های امنیت ملی رؤسای جمهور آمریکا به مرزهای این کشور محدود نمی‌شوند، و راهبردهای ملی را در سطوح منطقه‌ای و بین‌المللی نیز مشخص می‌کنند. برخی از آنها بیشتر بر منطقه متمرکز بوده، و گروهی دیگر جهانی بوده‌اند. این آموزه‌ها همه به‌طور آشکار یک‌جانبه‌گرایی بالاترین مقام کاخ سفید را نشان می‌دهند، و سبب شده که رئیس‌جمهور آمریکا

-
1. Risk
 2. Director of National Intelligence (DNI)
 3. Department of Homeland Security (DHS)
 4. Cybersecurity and Infrastructure Security Agency
 5. National Risk Management Center

در زمینه امنیت ملی و سیاست خارجی به یک امپراتور شبیه باشد. در نتیجه، رؤسای جمهوری که احساس راحتی کمتری نسبت به استفاده از قدرت آمریکا داشتند (مانند جانسون)، دکترین منسجمی نداشتند؛ و یا (مانند ویلسون، هورر، کارتر، و اوباما) دارای آموزه‌های نه‌چندان موفق بودند (Colucci, 2018: 137-138). در راهبرد امنیت ملی بوش در ۲۰۰۲، تهدید اصلی عراق شناسایی شده بود، نه ایران. کاخ سفید اعلام کرد: «در زمان جنگ خلیج فارس، ما مدرک انکارناپذیری به دست آوردیم که نشان می‌دهد نقشه‌های عراق محدود به سلاح‌های شیمیایی که علیه ایران و مردم خود استفاده کرد، نبوده است؛ بلکه به دستیابی به سلاح‌های هسته‌ای و مواد بیولوژیک نیز گسترش یافته است» (White House, 2002).

در راهبرد امنیت ملی ترامپ ۲۰۱۷، ایران در گروه تهدیدهای امنیتی مهم قرار داده شد؛ و بیان شد: «ما با شرکا همکاری خواهیم کرد تا تمام راه‌های رسیدن به سلاح هسته‌ای را برای رژیم ایران ممنوع کرده، و نفوذ زیان‌بخش ایران را خنثی کنیم» (White House, 2017: 49). گرچه در این سند نیز به تهدید ایران تأکید شد، اما آشکار شد که دولت ترامپ در حال تغییر تمرکز برنامه‌ریزی امنیتی آمریکا به دور از مبارزه با تروریسم و بازگشت به رقابت قدرت‌های بزرگ است (Cheng, 2021). در ۱۹ ژانویه ۲۰۱۸، وزارت دفاع خلاصه طبقه‌بندی‌نشده نخستین «راهبرد دفاع ملی» را منتشر کرد. در این سند آمده است که ایالات متحده باید برتری نسبی نظامی خود را در برابر تهدیدهای چین و روسیه تقویت کند... مسئله اصلی امنیت ملی ایالات متحده رقابت استراتژیک بین کشورها است، و نه تروریسم (McInnis, 2018: 1). بنابراین، چالش اصلی برای رفاه و امنیت ایالات متحده در این سند وزارت دفاع، از سرگرفته شدن رقابت بلندمدت و راهبردی بین آمریکا و «قدرت‌های تجدیدنظرطلب» مانند چین و روسیه است که می‌خواهند نظام جهانی را مطابق با الگوی اقتدارگرایانه خود تغییر دهند (U.S. Department of Defense, 2018: 1-2).

در فوریه ۲۰۱۸، وزارت دفاع گزارشی با عنوان «بررسی وضعیت استقرار هسته‌ای»^۱ مربوط به فعالیت‌های هسته‌ای نظامی آمریکا منتشر کرد. در این سند بر لزوم نیروهای هسته‌ای سه‌گانه^۲ (موشک‌های هسته‌ای و جنگ‌افزارهای پرتاب از زمین، دریا و هوا) برای جلوگیری از تهاجم هسته‌ای و غیرهسته‌ای با هدف اطمینان‌بخشی به هم‌پیمانان و شرکای آمریکا تأکید شده است. در سال‌های اخیر در فرایند تعیین نقش سلاح‌های هسته‌ای در راهبرد امنیتی ایالات متحده، به تهدید ایران به‌کرات اشاره شده است. با ذکر نقل قولی از رهبر جمهوری اسلامی در

1. *Nuclear Posture Review* (Office of the Secretary of Defense, 2018)

۲. موشک‌های هسته‌ای زمین‌پایه، زیردریایی‌های مجهز به موشک هسته‌ای، و هواپیماهای استراتژیک همراه با بمب و موشک هسته‌ای.

جایی که آمریکا را «دشمن شماره یک» ملت ایران نام برده بودند، و به انتقاد از برجام ادعا شده بود که با وجود موافقت ایران با اعمال محدودیت‌هایی در برنامه هسته‌ای خود، بسیاری از این محدودیت‌ها تا ۲۰۳۱ پایان می‌یابد. افزون بر این، ایران از فناوری و بسیاری از ظرفیت‌های لازم برای تولید سلاح هسته‌ای در مدتی کمتر از یک سال برخوردار است (Brown, 2018: 269). در ۲۰۱۹، در ارزیابی دیگری بیان شد که برنامه‌های موشک بالستیک و فضایی ایران که دارند بزرگ‌ترین زرادخانه موشک‌های بالستیک در خاورمیانه است، کماکان تهدیدی برای کشورهای منطقه‌ای به‌شمار می‌آید. ادامه تلاش‌های ایران برای تولید یک وسیله پرتاب فضایی^۱ (اس‌ال‌وی) با کیفیت بهتری از ماهواره‌بر سیم‌رغ به کوتاه شدن زمان دستیابی این کشور به موشک‌های بالستیک قاره‌پیما منجر می‌شود، زیرا در این سیستم‌ها از فناوری‌های مشابهی استفاده می‌شود (Coats, 2019: 10).

در آخرین ارزیابی وزارت امنیت داخلی، هفت تهدید امنیت بزرگ برای جامعه آمریکایی عبارت بودند از: ۱. تهدید سایبری شامل تلاش مستمر روسیه برای آسیب رساندن به نظام انتخاباتی و افکار عمومی آمریکا؛ و از ایران و چین نیز به دلیل ایجاد تهدید در فضای سایبری نام برده شد؛ ۲. فعالیت بیگانگان برای نفوذ در داخل آمریکا؛ ۳. تهدیدهایی برای امنیت اقتصادی ایالات متحده؛ ۴. تهدید تروریستی؛ ۵. تهدیدهای سازمان‌های جنایی فراملی؛ ۶. مهاجرت غیرقانونی؛ ۷. بلایای طبیعی (U.S. Department of Homeland, 2020: 5-6). دو تهدید سبب نگرانی بیشتر نهادهای امنیتی بوده‌اند: نخست، مبارزه با تروریسم و برخورد با سازمان‌های تروریستی خارجی که هنوز مصمم به حمله‌های درون‌مرزی یا برون‌مرزی به منافع آمریکا هستند. دوم، حفظ امنیت تجاری و اقتصادی در برابر اقدامات تهدیدکننده بازیگران دولتی در دوران تشدید رقابت قدرت‌های بزرگ. به‌طور ویژه، بر تهدید مستقیم و غیرمستقیم چین به‌عنوان رقیب استراتژیک بلندمدت برای آمریکا تأکید شده است، و از اهداف و سیاست‌های چین برای به چالش کشیدن جایگاه آمریکا به‌عنوان رهبر جهانی و قدرت برتر اقتصادی جهان یاد شده است. این نهاد وظیفه دارد برای کاهش تهدیدهای چین شامل آسیب‌رساندن به اقتصاد ایالات متحده با سرقت مالکیت معنوی، تولید و توزیع کالاهای تقلبی، و شیوه‌های تجارت ناعادلانه اقداماتی انجام دهد (U.S. Department of Homeland, 2020: 2). در گزارش ۲۰۲۰ به این مسئله که افراط‌گرایی خشونت‌آمیز داخلی به تهدیدی جدی برای امنیت جامعه آمریکایی تبدیل شده، تأکید نشده بود. با توجه به رویدادهای ناشی از اعتراض و حمله گروهی از طرفداران افراطی ترامپ به ساختمان کنگره در واشنگتن برای جلوگیری از

1. Space Launch Vehicle (SLV)

شمارش آرای گزینش‌گران انتخابات (الکترال کالج) و تایید پایانی نتیجه انتخابات برای اعلام رسمی جو بایدن به‌عنوان چهل‌وششمین رئیس‌جمهور آمریکا، در نخستین گزارش‌های ارزیابی سالانه تهدیدهای امنیتی در دولت جدید این تهدید برجسته‌تر خواهد شد.

در آخرین ماه‌های دولت ترامپ، برخی از مقامات سیاسی و نظامی به‌ویژه وزیر خارجه مایک پمپئو برای توجیه خروج از برجام، و حمایت از حکومت‌های غیرمردمی در خاورمیانه به تناوب و شدت لحن بیانیه‌های ضدایرانی خود سرعت بخشیدند. پمپئو بدون ارائه هیچ مدرکی اعلام کرد که القاعده پایگاه جدیدی در ایران ایجاد کرده است، و این‌که «امریکا و همه ملت‌های آزاد باید محور ایران و القاعده را در هم بشکنند» (Pamuk and Spetalnick, 2021).

مقامات ایرانی نیز استدلال مشابهی از سیاست آمریکا در خاورمیانه ارائه داده‌اند. با توجه به اظهارات بایدن در مورد حمایت از نیاز به کاهش نقش سلاح‌های هسته‌ای، انتظار می‌رود که در گزارش بعدی در دولت جدید با ارزیابی متفاوتی در مورد تهدید هسته‌ای ایران روبرو شویم. تل‌آویو به تبلیغ ایران‌هراسی و تصویرسازی منفی از ایران ادامه خواهد داد تا توجه جهانیان به جای متمرکز شدن بر زرادخانه اتمی و نظامی‌گری اسرائیل در سرزمین‌های فلسطینی به توانایی اتمی و برنامه ساخت موشک‌های بالستیک ایران معطوف شود، و نیز با ایجاد نگرانی‌های امنیتی در ذهن رقبای منطقه‌ای ایران به این کشورها^۱ نزدیک‌تر شود.

۳. ادراکات مختلف از نقش راهبردی جهانی ایالات متحده

بحثی در مورد اینکه آمریکا باید چه نقشی را در نظام بین‌الملل ایفا کند، در محافل آکادمیک و سیاسی این کشور وجود دارد. در جدول ۱، خلاصه استدلال‌های دو دیدگاه کلی مطرح‌شده در مورد نقش جهانی این کشور ارائه می‌شود. این دو دیدگاه عبارت‌اند از: ۱. ادامه ایفای نقش فعال جهان‌گرا (انترناسیونالیست) مشابه رویکردی که از ۷۰ سال پیش اتخاذ شده است؛ ۲. تغییر نقش (به مداخله‌گرایی محدود و انتخابی)^۲ با اتخاذ سیاست‌های غیرفعال‌تر و محدودکننده‌تر برای کاهش مداخله آمریکا در امور جهانی. اندیشمندان آمریکایی طرفدار نقش کم‌رنگ‌تر و گزینشی آمریکا در جهان شامل جان میرشایمر، باری پوزن، و استیون والت می‌شوند، که چندین ایده جدید برای نقش‌آفرینی محدودتر این کشور ارائه کرده‌اند (Mearsheimer, 2019; Posen, 2007; Walt, 2019).

۱. برخی تحلیل‌گران وجود ذینفعان در صنایع نظامی آمریکا و تلاش آنها برای بحران‌زایی با هدف گسترش بازار اسلحه را از عوامل اصلی منجر شده به مداخله مستقیم واشنگتن در افغانستان معرفی کرده‌اند (شیرخانی و سبحانی، ۱۹۹۳). انتظار نمی‌رود که تصمیم بایدن برای بیرون کشیدن نیروهای نظامی آمریکا از قلمروی این کشور در اوت ۲۰۲۱ به خروج از منطقه و بستن پایگاه‌های نظامی آمریکایی منتهی شود؛ اما نشانه‌هایی از تحول در سیاست خاورمیانه‌ای این کشور آشکار شده است.

2. Limited and Selective Interventionism

جدول ۱. مقایسه استدلال موافقان دو راهبرد اصلی نقش امریکا در جهان

نکات اصلی	موافقان نقش مداخله‌گر محدود یا انزواگرایی	موافقان نقش فعال جهان‌گرایی یا مداخله‌گرایی
هزینه و فایده برای امریکا	۱. دست‌کم برآورد شدن هزینه‌های دفاع از نظم لیبرال بین‌المللی برای امریکا، و بیش از حد تخمین زدن منافع این عمل. ۲. مداخله می‌تواند امریکا را در درگیری‌های سایر کشورها بر سر موضوعات بدون اهمیت حیاتی برای منافع ملی امریکایی‌ها وارد کند.	۱- اگرچه هزینه‌های ایفای نقش جهان‌گرا زیاد بوده، اما منافع آن بیشتر بوده است. ۲- نقش جهانی محدودتر امریکا به افزایش خطرپذیری، و کاهش امنیت، آزادی و رفاه در بلندمدت بر اثر پیدایش قدرت‌های برتر منطقه‌ای یا حوزه‌های نفوذ جهانی منجر خواهد شد.
توانایی امریکا	با توجه به کسری بودجه و بدهی‌های پیش‌بینی شده، امریکا در آینده نمی‌تواند نقش گسترده‌ای در جهان داشته باشد.	امریکا کشور ثروتمندی است که می‌تواند به ایفای نقش گسترده‌ای در امور بین‌الملل ادامه دهد.
موضع اخلاقی امریکا	امریکا بدون جایگاه اخلاقی کافی برای ایفای نقشی است که مستلزم تحمیل ارزش‌ها و اراده خود به سایر کشور باشد.	اگرچه امریکا بدون عیب نیست، اما از نظر اخلاقی و مسئولیت‌پذیری برای ایفای نقش رهبر جهانی، به‌ویژه در مقایسه با کشورهای اقتدارگرا مانند چین یا روسیه بهتر عمل خواهد کرد.
افکار عمومی امریکایی‌ها	بیشتر مردم موافق نقش محدودتر امریکا در جهان هستند، به‌ویژه در مورد مسائلی مانند ایفای نقش پلیس جهانی، اهدای کمک‌های خارجی و حمایت مالی گسترده و تحمل هزینه‌های دفاع از هم‌پیمانان امریکا.	در برخی افکارسنجی‌ها، حمایت مردم از نقش رهبری جهانی امریکا نشان داده شده است.
ثروت و قدرت رو به رشد سایر کشورها	با توجه به رشد سریع ثروت و قدرت چین و سایر کشورها در سال‌های اخیر، امریکا دیگر به اندازه گذشته در نظام بین‌الملل برتری ندارد؛ و با گذشت زمان تسلط کمتری پیدا خواهد کرد. این امر سبب می‌شود که ادامه نقش رهبری جهانی برای امریکا دشوارتر و پرهزینه‌تر شود.	اگرچه ثروت و قدرت برخی رقبا رشد چشمگیری داشته، اما ادامه این روند حتمی نیست. امریکا از نظر قدرت اقتصادی و مالی، نظامی، فناوری نوآورانه از مزایای بی‌نظیری برخوردار است؛ و اگرچه به اندازه گذشته برتری ندارد، اما کماکان قدرتمندترین کشور در همه ابعاد قدرت به‌شمار می‌آید.
نظم بین‌المللی	سایر قدرت‌های جهانی دارای ایده‌های ویژه برای نظم بین‌المللی مطلوب خود هستند. امریکا باید تغییر توزیع جهانی قدرت را بپذیرد، و با سایرین برای بازتعریف نظم نوین جهانی همکاری کند.	نظم بین‌المللی لیبرال منعکس‌کننده منافع و ارزش‌های امریکایی است. نظم بین‌المللی نوینی که شامل ارزش‌ها و ایده‌های کشورهای اقتدارگرایی مانند چین باشد، جهانی خواهد بود که کمتر می‌تواند زمینه‌ساز حفظ و ترویج منافع و ارزش‌های امریکا باشد.
قدرت‌های برتر و حوزه‌های نفوذ	حتی اگر یک یا چند قدرت سلطه‌طلب منطقه‌ای در اوراسیا پدیدار شود، وضعیت تحمل‌ناپذیری را برای امریکا ایجاد نمی‌کند، و باز هم می‌توان از منافع حیاتی ملی دفاع کرد. به همین ترتیب، نمی‌توان پذیرفت که پیدایش نظام جهانی با حوزه‌های نفوذ به‌طور قاطع با منافع حیاتی امریکا سازگار نخواهد بود.	هژمون منطقه‌ای در اوراسیا توانایی کافی را برای تهدید منافع حیاتی امریکا خواهد داشت. افزون‌بر تهدید محدودسازی دسترسی امریکا به اقتصاد اوراسیا، در نظام جهانی مبتنی بر حوزه‌های نفوذ، احتمال جنگ بیشتر خواهد بود، زیرا هژمون‌های منطقه‌ای پیشین هرگز از گستره دامنه نفوذ و سلطه خود خشنود نبوده، و برای گسترش نفوذ با سایرین درگیر شده‌اند.

منبع: نگارندگان (بر اساس نکات مهم در نظریه‌های اوروک، پوزن، میرشایمر، نای، والت، و هانتینگتون).

موافقان نقش محدودتر از واژه‌های توازن فراساحلی، نظارت فراساحلی،^۱ واقع‌گرایی، راهبرد خویشتن‌داری، و تعدیل نیرو برای شرح برخی از این تغییر رویکردها استفاده کرده‌اند تا استدلال‌هایی در ارتباط با آمریکا و سایر کشورها ارائه دهند. برخی استدلال کرده‌اند که افول جدی برتری هژمونیک ایالات متحده از ۱۹۶۰ آغاز شده است (O'Rourke, 2021). آمریکا قدرت هژمونیک خود در نظام جهانی را از دست داده است، و این فرسایش نسبی قدرت دلیل اصلی بی‌ثباتی و سردرگمی اقتصاد سیاسی بین‌الملل است (Strange, 1987: 552; Ikenberry, 2018). نای ادعا می‌کند که بزرگ‌نمایی قدرت چین اشتباه است؛ زیرا پکن راهی طولانی را برای رسیدن به منابع انرژی آمریکا در پیش دارد. حتی اگر چین دچار هیچ‌گونه عقب‌گرد سیاسی داخلی نشود، بسیاری از پیش‌بینی‌های فعلی در مورد قدرت اقتصادی آن فقط بر اساس رشد تولید ناخالص داخلی است. برتری نظامی و قدرت نرم آمریکا، و نقاط ضعف ژئوپلیتیک چین در محاسبه قدرت نسبی این دو قدرت بزرگ نادیده گرفته می‌شوند.

آمریکا رتبه نخست را در کل هزینه‌های پژوهش و توسعه، رتبه‌بندی دانشگاه‌ها، جوایز نوبل، شاخص‌های کارآفرینی، فناوری‌های پیشرفته‌ای مانند فناوری زیستی و نانو دارد (Nye, 2012: 217). پرسش این است که آیا اکنون آمریکا در همه زمینه‌ها برتری نسبی خود را حفظ کرده است؟ جمعیت چین چهار برابر آمریکا، شمار نیروی کار چین ۵ برابر آمریکا، شمار پرسنل نظامی فعال چین یک‌ونیم برابر آمریکا، هزینه نظامی چین حدود یک‌چهارم هزینه نظامی آمریکا، ذخایر خارجی چین بیست‌وشش برابر آمریکا، شمار سلاح‌های هسته‌ای چین ۳۲۵ در مقایسه با ۵۸۰۰ آمریکا بود (آمریکایی‌ها هجده برابر بیشتر از چین از این نوع سلاح در زرادخانه خود انباشت کرده‌اند). در ۲۰۱۹، چین با ۳،۲۲۲،۸۹۴ میلیون دلار، روسیه با ۵۵۵،۱۷۹ میلیون دلار، و آمریکا با ۵۱۶،۷۰۰ میلیون دلار به ترتیب رتبه اول، چهارم و پنجم را از لحاظ کل ذخایر مالی شامل طلا در جهان داشتند. به دلیل در دسترس نبودن آمار کل ذخایر جهانی، محاسبه سهم ایالات متحده از کل امکان‌پذیر نبود. ژاپن و سوئیس رتبه‌های دوم و سوم را دارا بودند، و رتبه‌های ششم تا یازدهم به ترتیب به عربستان، هندوستان، هنگ‌کنگ، کره جنوبی، برزیل و آلمان اختصاص داشت. (به جدول ۲ بنگرید)

بر مبنای شاخص ۲۰۲۱، وضعیت نظامی ایالات متحده «سرحدی»^۲ یا محدود ارزیابی می‌شود. نیروهای نظامی فعلی ایالات متحده شاید قادر به برآورده ساختن نیازهای یک درگیری بزرگ منطقه‌ای باشند، و هم‌زمان بتوانند از عهده فعالیت‌های مختلف حضور و تعامل

۱. توازن فراساحلی offshore balancing و نظارت فراساحلی offshore control به سیاستی گفته می‌شوند که در آن آمریکا در سواحل اوراسیا حضور دارد، و از لحاظ تناوب کمتر، و بیشتر به‌طور غیرمستقیم و در مقیاس کوچک‌تری در امور امنیتی اوراسیا دخالت می‌کند. منتقدان این رویکرد اغلب اصطلاح «تعدیل نیرو» را بکار می‌برند.

2. marginal

برآیند. انجام کار بیشتر برای این نیروها بسیار دشوار خواهد بود، و بدون شک برای نبرد در دو جنگ بزرگ منطقه‌ای به‌طور هم‌زمان آمادگی کامل ندارند. برای حصول اطمینان از این‌که نیروهای مسلح امریکا به‌طور شایسته و درست از لحاظ کمی و کیفی تجهیز شده، آموزش دیده و آماده پاسخ‌گویی به مأموریت‌های لازم هستند، باید در سال‌های آینده بیشتر تلاش شود (Phillips, 2021: 524). از کل پرسنل نظامی امریکا که حدود ۲/۲۴ میلیون نفر است، ۱/۴ میلیون نفر (۶۳ درصد) فعال و بقیه ذخیره هستند. به این ترتیب در رتبه سوم جهانی پس از چین (رتبه اول)، و هندوستان (رتبه دوم) که دارای نیروی نظامی بزرگ‌تری هستند، قرار دارد. کره شمالی، روسیه، پاکستان، کره جنوبی، ایران، ویتنام، عربستان سعودی، مصر در رده چهارم تا یازدهم هستند (GFP, 2021).

جدول ۲. رتبه جهانی یا درصد سهم امریکا بر اساس شاخص‌های مهم اقتصادی و نظامی

منابع	رتبه جهانی یا ٪ سهم از کل	جهان	امریکا	شاخص (واحد)، ۲۰۱۹
World Bank, 2020	٪۴/۳	۷۷۳۷۸۴۴	۳۳۰۸۳۹	جمعیت (میلیون نفر)، ۲۰۲۱
World Bank, 2020	٪۴/۸	۳۴۹۲	۱۶۶/۵	نیروی کار (میلیارد نفر)، ۲۰۲۰
UNDP, 2020	هفدهم	۰/۷۳۷	۰/۹۲۶	شاخص توسعه انسانی
World Bank, 2020	پنجم	-	۵۱۶۷۰۰	کل ذخایر شامل طلا، (میلیون دلار)
World Bank, 2020	٪۲۴/۴	۸۷۷۹۸	۲۱۴۳۳	تولید ناخالص داخلی، (میلیون دلار)
Bureau, 2020; UNCTAD, 2020	٪۰/۴	۱۵۰۰۰۰۰	۵۹۶۰	سرمایه‌گذاری خارجی مستقیم، (میلیون دلار)
SIPRI, 2020 _a	٪۳۸	۱۹۱۷	۷۳۲	هزینه نظامی، (میلیارد دلار)
SIPRI, 2020 _a	٪۴۳/۲	۱۳۴۰۰	۵۸۰۰	سلاح‌های هسته‌ای
SIPRI, 2020 _b	٪۳۶/۳	۱۴۵۷۷۵	۵۳۰۳۳	صادرات اسلحه، (میلیون دلار)، ۲۰۱۵-۱۹
GFP, 2021	سوم	-	۱/۴	پرسنل نظامی فعال، (میلیون نفر)، ۲۰۲۱
GFP, 2021	اول	-	۰/۷۱۸	شاخص قدرت نظامی، ۲۰۲۱

منبع: نگارندگان بر اساس منابع آماری ذکر شده در ستون ۵ جدول ۲.

در ۲۰۲۱، امریکا با «شاخص قدرت آتش» یا قدرت نظامی معادل (۰/۷۱۸) رتبه نخست را در جهان دارد، و به دنبال آن روسیه با (۰/۷۹۱) رتبه دوم، و چین با (۰/۸۵۴) رتبه سوم را اخذ کرده است. هندوستان، ژاپن، کره جنوبی، فرانسه، انگلستان، برزیل، پاکستان، ترکیه، ایتالیا،

مصر، ایران و آلمان رتبه‌های چهارم تا پانزدهم را به خود اختصاص داده‌اند.^۱ آمریکا با هزینه نظامی ۷۳۲ میلیارد دلاری خود در ۲۰۱۹، رتبه اول را در جهان کسب کرد. این رقم، ۲/۷ برابر هزینه نظامی ۲۶۱ میلیارد دلاری چین (دارنده رتبه دوم جهانی) بود. نکته مهم این که در ۲۰۱۹ هزینه نظامی چین ۸۵ درصد بیش از هزینه مشابه در ۲۰۱۰ بود، یعنی رشد هزینه نظامی چین در دوره ۲۰۱۰-۱۹ چشمگیر بوده است (سپیری، ۲۰۲۰: ۱۰). نکته دوم این که بسیاری از قدرت‌های بزرگ با فروش اسلحه بخشی از هزینه‌های نظامی خود را تأمین می‌کنند. به باور منتقدان مداخله‌گرایی آمریکایی، کشته شدن هزاران سرباز آمریکایی در جنگ‌ها تنها بخشی از هزینه اجرای سیاست هژمونی آمریکا به‌شمار می‌آید، و باید برای پایان دادن به فعالیت‌هایی که به صرف منابع مالی و انسانی کمرشکن نیاز دارند، به سمت انزوای گزینشی رفت. به هر حال، حتی پیش از همه‌گیری کووید ۱۹ پیش‌بینی می‌شد که هزینه نظامی آمریکا به‌عنوان درصدی از درآمد ملی کاهش یابد. هنوز آشکار نشده است که دولت بایدن تا چه حد برای کاهش بار مالی مأموریت‌های نظامی آمریکا در فراسوی مرزها از همان راه صادرات جنگ‌افزار استفاده خواهد کرد؛ و اینکه درآمد حاصل از فروش اسلحه به رهبران ثروتمند خاورمیانه برای واشنگتن آنقدر اهمیت داشته باشد که ملاحظات اخلاقی و حقوق بشری را نادیده بگیرد.

۴. هژمونی‌طلبی و تشدید رقابت‌های قدرت‌های بزرگ

هانتینگتون پیش‌بینی کرد که نظام سده بیست‌ویکم به یک نظام چند قطبی تبدیل شود، و اینکه احتمال بقای یک نظام تک‌قطبی با یک ابرقدرت در صدر آن کمتر شود. وی به نقل از برژینسکی می‌نویسد که «ایالات متحده نخستین، آخرین و تنها ابرقدرت جهانی خواهد بود» (Huntington, 1999: 37). در پایان سده بیستم، وی نظام بین‌المللی را ترکیبی از نظام تک-چندقطبی^۲ متشکل از یک ابرقدرت و چند قدرت بزرگ توصیف می‌کند، که در آن حل و فصل مسائل مهم جهانی مستلزم وارد عمل شدن تک-ابرقدرت است اما نه به تنهایی بلکه همیشه با کمک گروهی قدرت‌های بزرگ. به باور وی، آمریکا تنها کشوری است که در تمام حوزه‌های قدرت دارای برتری و توانایی پیشبرد منافع خود در هر نقطه‌ای از جهان است. در سطح دوم، قدرت‌های بزرگ منطقه‌ای حضور دارند که فقط قادر به گسترش نفوذ در مناطقی خاص و نه در کل جهان هستند، و منافع آنها اغلب با سایر کشورهای قدرتمند منطقه‌ای در تعارض است

۱. برای محاسبه این شاخص نشان‌دهنده قدرت نظامی یک کشور، از بیش از ۵۰ متغیر از قدرت نظامی گرفته تا توانایی مالی و لجستیک (بدون در نظر گرفتن توانایی هسته‌ای) استفاده می‌شود. امتیاز قدرت کامل معادل ۰,۰۰۰۰ است که دست‌نیافتنی است. هرچه عدد شاخص کوچکتر باشد، توانایی متعارف جنگی بیشتر خواهد بود. (Global Firepower, 2021).

2. Uni-multipolar system

(Huntington, 1999: 36). به دلیل این که موازنه تهدید به جای موازنه قدرت انجام شد، امریکا توانست اتحاد غرب را علیه شوروی که جمعیت و درآمد ملی بیشتری داشت، حفظ کند.

۵. روابط پرتنش ایران و امریکا در پرتو رقابت قدرتهای بزرگ

مشارکت ایالات متحده در جنگ ویتنام تا حدودی با «نظریه دومینو» و این استدلال توجیه شد که پیروزی ویتنام شمالی زیر سلطه کمونیست‌ها بر ویتنام جنوبی می‌تواند به سقوط سایر دولت‌های منطقه‌ای و استیلای کمونیسم منجر شود. این نظریه، مشارکت ایالات متحده در جنگ را به هدف جلوگیری از پیدایش قدرت سلطه‌جوی منطقه‌ای پیوند می‌دهد. دلیل مشارکت امنیتی ایالات متحده با کشورهای حاشیه جنوبی خلیج فارس و استقرار نیروهای نظامی در آن قلمرو نیز مقابله با تلاش‌های ایران یا روسیه (و به‌تازگی چین) برای تبدیل شدن به یک هژمون منطقه‌ای اعلام شده است. پس از ترور سردار سلیمانی، با نگرانی از حمله‌های تلافی‌جویانه ایران و هم‌پیمانانش، مقامات امریکایی استدلال کردند که فرستادن نیروهای اضافی به منطقه برای «برقراری بازدارندگی» لازم است. در ضمن، دولت ترامپ اعلام کرد که در حال بررسی احتمال استفاده از بندر دریای سرخ عربستان و دو فرودگاه هوایی دیگر در این کشور است؛ و هدف اصلی این اقدامات ایجاد تغییر سیستمی در اقدامات خصومت‌آمیز و بی‌ثبات‌کننده جمهوری اسلامی، بستن همه راه‌های رسیدن به سلاح هسته‌ای و تروریسم بیان شد. برخی سیاستمداران این کشور تصور می‌کنند که نیروی نظامی تنها ابزار برای قدرت ملی است که می‌تواند به روش‌های مختلف برای دستیابی به اهداف سیاست خارجی از افزایش نفوذ و کسب هژمونی در این منطقه گرفته تا تلاش برای تغییر رژیم مؤثر باشد. واقعیت این است که این نیروها در منطقه سنت‌کام، و در سایر مناطق برای نبردهای احتمالی با قدرت‌های بزرگ رقیب کاربرد دارند و در زمان کمتری در شرایط غیرمترقبه به نواحی پیرامونی چین، روسیه و کره شمالی فرستاده خواهند شد؛ به‌ویژه در آسیای شرقی که از سوی پنتاگون به دلیل نیاز به همگام بودن با اقدامات چین، منطقه اولویت‌دار معرفی شده است.

در ژانویه ۲۰۲۰، با نگرانی از حمله ایران به پایگاه‌های امریکایی، ترامپ در تویییتی با لحنی تهدیدآمیز و ترسیم رفتاری مشابه جهان‌گشایان مغول (آتش زدن تخت جمشید)، داعش (غارت موزه‌های عراق) و طالبان (تخریب مجسمه بودای بزرگ بامیان) که به نابودی میراث فرهنگی و بناهای باستانی دست زده بودند، نوشت: «ما ... ۵۲ مرکز ایرانی را هدف قرار داده‌ایم، برخی از آنها در سطح بسیار بالایی قرار دارند و برای ایران و فرهنگ ایرانی مهم هستند، و آن هدف‌ها، و خود ایران، بسیار سریع و به‌شدت مورد حمله قرار خواهند گرفت. امریکا دیگر تهدید نمی‌خواهد». وی در تویییت دیگری با قلدری به قدرت برتر نظامی امریکا

اشاره کرد: «ایالات متحده فقط ۲۰۰۰ میلیارد دلار برای تجهیزات نظامی هزینه کرده.. ما بزرگ‌ترین و با اختلاف زیاد بهترین در جهان هستیم! اگر ایران به یک پایگاه امریکایی یا هر امریکایی حمله کند، ما مقداری از آن تجهیزات جدید و زیبا را به سمت آنها می‌فرستیم... و بدون درنگ» (Manson et al., 2020). حملات عمدی غیرقانونی به آثار و بناهای فرهنگی از جنایات جنگی است، و عاملان آنها در دادگاه‌های ملی و بین‌المللی برای ارتکاب به این جنایات محکوم شده‌اند (O'Keefe et al., 2016: 27). افزون‌بر ماده ۱۹ کنوانسیون ۱۹۵۴ لاهه، پروتکل یک کنوانسیون ۱۹۷۷ ژنو تعیین می‌کند که تخریب اموال فرهنگی هنگام درگیری‌های مسلحانه نقض جدی شناخته شده، و به‌عنوان جنایت جنگی مجازات می‌شود. دادگاه کیفری بین‌المللی با اختیاراتی که برای بررسی جنایات جنگی دارد، می‌تواند برای پیگرد قانونی و مجازات افراد و دولت‌هایی که در چنین تخریبی نقش داشته باشند، حتی اگر غیر از زمان درگیری مسلحانه رخ دهد، اقدام کند (Milligan, 2008: 104). تهدید به تخریب مکان‌های فرهنگی ایران با واکنش گسترده در داخل و خارج آمریکا روبرو شد؛ و یکی دیگر از موارد پایبند نبودن دولت ترامپ را به قوانین بین‌المللی نشان داد.

تغییر در دیدگاه و بینش هم‌پیمانان و دوستان واشنگتن در خاورمیانه از قدرت هژمونیک و اتکاپذیری ایالات متحده نسبت به انجام تعهداتش در قبال امنیت آنها و امنیت منطقه‌ای عامل مهم تأثیرگذاری بر سیاست خارجی کشورهای منطقه‌ای در قبال ایران خواهد بود. ماهیت رقابت قدرت‌های بزرگ نیز بر تعادل ژئواستراتژیک و موازنه قدرت در خاورمیانه تأثیر خواهد گذاشت. فرض بر این است که رقابت قدرت‌های بزرگ در نظام بین‌المللی از دلایل اصلی استقرار نیروهای امریکایی در خلیج فارس برای جلوگیری از نفوذ اقتصادی و قدرت نظامی رو به رشد چین باشد. اگر روسیه و چین روابط قوی‌تر و گسترده‌تری با ایران برقرار کنند که با عضویت کامل ایران در سازمان همکاری شانگهای محتمل‌تر شده، ایالات متحده از یک سو به تلاش‌های زورگویانه و خصمانه علیه ایران می‌افزاید؛ و از سوی دیگر با بزرگ‌نمایی تهدید ایران برای بهبود روابط خود با کشورهای شورای همکاری خلیج فارس و سایر شرکای عرب خود در زمینه‌هایی مانند فروش اسلحه جدید، آموزش و مانورهای نظامی، و همکاری اقتصادی بیشتر تلاش خواهد کرد.

۶. نتیجه

افزون‌بر ترس از وابستگی خارجی و اسیر شدن در تله محدودکننده آزادی عمل، با احساس بی‌اعتمادی و سوءظن تاریخی که مقامات ایرانی نسبت به نیت شوم قدرت‌های بزرگ دارند، تصمیم‌گیری در مورد پیوستن به اتحادهای زیر رهبری این قدرت‌ها چه شرقی و چه غربی

به‌سادگی میسر نیست. فرایند تدوین و اجرای سیاست خارجی ایران بر کسب دو هدف ثابت تأکید داشته است: تضمین بقای رژیم، و بازگرداندن جایگاه برتر منطقه‌ای به ایران. بنابراین تعجبی ندارد که اعمال سیاست‌های مبتنی بر زور و دیپلماسی اجبار واشنگتن - که گاهی شامل تغییر رژیم است، و بیشتر مواقع مخالف افزایش قدرت منطقه‌ای ایران - سبب تشدید و تداوم دشمنی ایران با آمریکا شده است. اگر بایدها به سیاست خاورمیانه‌ای ترامپ ادامه دهد، در عین حال که وقوع درگیری نظامی مستقیم بین ایران و آمریکا احتمال خیلی کمتری دارد، اما درگیری غیرمستقیم نیروهای دو کشور در مناطقی مانند آب‌های خلیج فارس، عراق، و سوریه محتمل است.

در دولت بایدن نیز هدف تمرکز استراتژیک واشنگتن بیشتر روی رقابت قدرت‌های بزرگ و خیزش چین خواهد بود. افزایش پایگاه‌های نظامی برون‌مرزی به افزایش حضور نظامی و تعهد امنیتی جهانی آمریکا منجر خواهد شد؛ در شرایطی که هم‌اکنون در همه قاره‌ها دارای هم‌پیمانان و شرکای امنیتی است. یکی از مهم‌ترین پیامدهای منفی چنین سیاستی این است که نیروهای امریکایی در درگیری‌ها و منازعاتی که منافع ملی مهم آمریکا را تهدید نمی‌کنند، و باید از آنها پرهیز شود، ناگزیر به مداخله خواهند شد. سیاستمداران امریکایی به دنبال آغاز جنگ جهانی سوم نیستند، اما احتمال مداخله غیرمستقیم با بهره‌گیری از عملیات نامتقارن بر سر مسائلی مانند حمله چین به تایوان، درگیری چین با هم‌پیمانان غرب مانند ژاپن و کره جنوبی وجود دارد. تصور می‌شود هر چه نیروهای امریکایی کمربند اطراف چین (و روسیه) را تنگ‌تر کنند، و مانع از گسترش نفوذ قدرت‌های شرقی در مناطق استراتژیک مانند خلیج فارس، و گذرگاه‌های آبی حیاتی شوند، واشنگتن شانس بیشتری برای حفظ هژمونی جهانی خود به‌دست خواهد آورد.

افزایش گسترده بودجه دفاعی آمریکا با توجه به هزینه‌های هنگفت پاندمی کووید ۱۹ دشوار است؛ و یکی از راه‌های تأمین مالی هزینه‌های هنگفت ایجاد و نگهداری شبکه بزرگ پایگاه‌ها و استقرار نیروهای نظامی آمریکا در منطقه وسیعی از استرالیا، پالاو، و گوام گرفته تا سنگاپور، خلیج فارس و دریای سرخ این بوده است که عربستان، قطر و امارات متحده عربی از ثروت نفتی خود به‌طور مستقیم سهم بزرگی از هزینه‌های نیروهای مستقر در قلمروی خود را پرداخت کنند. البته به‌طور غیرمستقیم نیز با خرید میلیاردها دلار جنگ‌افزارهای امریکایی به درآمد صادراتی این کشور و سبک کردن تحمیل نظامی آن کمک شایانی می‌کنند. استقرار نیروهای امریکایی در قلمروی خارجی برای کشورهای میزبان مسئله سیاسی حساسی است، زیرا به‌طور کلی این نیروها زیر نظارت و قوانین دولت واشنگتن فعالیت می‌کنند، و می‌توانند در تناقض با حاکمیت کشور میزبان باشند. با توجه به تداوم اظهارات تهدیدآمیز برخی رهبران

امریکایی در مورد ایران، یکی از پیشنهادهای ایران برای ترتیبات امنیتی خلیج فارس پایان دادن به استقرار نیروهای خارجی در این منطقه بوده است. در بیانات مقامات ایرانی روشن است که دولت تهران از یک سو مخالف تغییر نقشه خاورمیانه و تجزیه کشورهای منطقه است، و از سوی دیگر با حمایت از تجدیدنظرطلبی خواهان اصلاح نظام بین‌المللی در راستای کاهش سلطه قدرت‌های بزرگ در سازمان ملل، استکبارستیزی و چندجانبه‌گرایی است. در آینده روابط ایران و آمریکا، انتخاب بین تنها دو سیاست تقابل (مقاومت حداکثری) و سازش نیست، و راه‌های دیگری برای حل اختلاف‌ها از راه مذاکره جدی و مستمر با کنشگران اصلی وجود دارد. تا زمانی که آمریکا هویت و جایگاه متمایز ایران را به رسمیت نشناسد، و به سیاست تهاجمی خود علیه این کشور پایان ندهد، باید انتظار تداوم دشمنی و تضاد منافع بین آمریکا و ایران را داشت. سیاستمداران امریکایی نمی‌توانند در اجرای برنامه‌هایی برای مبارزه با تروریسم، جلوگیری از گسترش سلاح‌های کشتار جمعی، بازسازی کشورهای ناامن، حفظ ثبات سیاسی و اقتصادی خاورمیانه بدون همکاری مؤثر ایران و سایر کشورهای منطقه‌ای با یکجانبه‌گرایی متکی بر نیروی نظامی برتر خود به موفقیت برسند.

به چهار نکته مهم باید توجه بیشتری معطوف شود: ۱. رقابت قدرت‌های بزرگ برای گسترش برتری جهانی افزایش خواهد یافت و تأثیر نامطلوبی بر امنیت خلیج فارس خواهد گذاشت. ۲. هرچه فشارهای اقتصادی بر ایران بر اثر تعلق اروپایی‌ها و آمریکا برای رفع تحریم‌ها بیشتر شود، ایران برای مقابله با دشمنی آمریکا ناگزیر به نزدیک‌تر شدن به چین و روسیه خواهد شد، و سیاستمداران امریکایی مصمم‌تر می‌شوند که روابط خود را با هم‌پیمانان و شرکای منطقه‌ای تقویت کنند. ۳. تغییر رفتار سیاست خارجی ایران به رفع تحریم‌های اقتصادی ایالات متحده بستگی دارد، اما ایران به احتمال زیاد به حفظ روابط خود با کنشگران دولتی و غیردولتی در محور مقاومت ادامه می‌دهد تا بتواند با موازنه تهدید وضعیت منطقه‌ای مطلوب‌تری به دست آورد. ۴. تعمیق همکاری بین اسرائیل و کشورهای عرب تأثیر بسیار کمی در روابط ایران و آمریکا خواهد داشت، اما احتمال موافقت مقامات ایران برای کنار گذاشتن برنامه موشک‌های بالستیک در ازای بازگشت آمریکا به برجام کمتر شده است. با یادآوری تجربه تلخ حمله‌های موشکی صدام به شهرهای ایران در جنگ هشت ساله با عراق، بسیاری از فرماندهان نظامی و رهبران سیاسی کشور استدلال می‌کنند که توانایی دفاع موشکی ایران برای بازدارندگی حملات دشمنان، و برای ایجاد چتر بازدارندگی در دفاع از هم‌پیمانانش در منطقه حیاتی است.

بیانیه نبود تعارض منافع

نویسندگان اعلام می‌کنند که تعارض منافع وجود ندارد؛ و تمام مسائل اخلاق در پژوهش را که شامل پرهیز از دزدی ادبی، انتشار و یا ارسال بیش از یک بار مقاله، تکرار پژوهش دیگران، داده‌سازی یا جعل داده‌ها، منبع‌سازی و جعل منابع، رضایت ناآگاهانه سوژه یا پژوهش‌شونده، سوء رفتار و غیره، به‌طور کامل رعایت کرده‌اند.

منابع و مأخذ

الف) فارسی

۱. سیپری. (۲۰۲۰) سالنامه ۲۰۲۰ سیپری: تسلیحات، خلع سلاح و امنیت بین‌المللی، خلاصه، ترجمه سعیده لطیفیان. اکسفورد: انتشارات دانشگاه اکسفورد، برای سیپری. در:
https://www.sipri.org/sites/default/files/2021-03/yb20_summary_fa_v3.pdf (۶ فروردین ۱۴۰۰)
۲. شیرخانی، محمدعلی، سبحانی، مهدی. (۱۳۹۲) «اقتصاد سیاسی نظامی‌گری و مداخله نظامی امریکا در افغانستان»، فصلنامه سیاست، ۴۳، ۴: ۱۳۴-۱۱۷، <DOI: 10.22059/jpq.2013.50501>

ب) انگلیسی

3. Brannen, Samuel. (2021, January 28) "A Better Way to Identify and Address Threats to National Security," *CSIS Transition46 Series*. Available at: <https://www.csis.org/analysis/better-way-identify-and-address-threats-national-security> (Accessed 10 February 2021).
4. Brown, Seyom. (2018) "The Trump Administration's Nuclear Posture Review (NPR), in Historical Perspective," *Journal for Peace and Nuclear Disarmament* 1, 2: 268-280, <DOI:10.1080/25751654.2018.1494092>.
5. Bureau of Economic Analysis (BEA). (2020) *Direct Investment by Country and Industry, 2019*. Available at: <https://www.bea.gov/data/intl-trade-investment/direct-investment-country-and-industry> (Accessed 24 July 2020).
6. Cheng, Dean. (2021) "China," in Dakota L. Wood, ed. (2021) *2021 Index of U.S. Military Strength*. Washington, DC: the Heritage Foundation. Available at: https://www.heritage.org/sites/default/files/2020-11/2021_IndexOfUSMilitaryStrength_WEB_0.pdf (Accessed 29 May 2020).
7. Coats, Daniel R., Director of National Intelligence. (2019, January 29) *Worldwide Threat Assessment of the US Intelligence Community: Statement for the Record before the Select Committee on Intelligence, US Senate*. Washington DC: Office of the DNI. Available at: <https://www.dni.gov/files/ODNI/documents/2019-ATA-SFR---SSCI.pdf> (Accessed 12 March 2020).
8. Colucci, Lamont. (2018, Summer) "American Doctrine: The Foundation of Grand Strategy," *World Affairs* 181, 2: 133-160, <DOI:10.1177/0043820018790793>.
9. Gannon, J. Andres; and Daniel Kent. (2020) "Keeping Your Friends Close, but Acquaintances Closer: Why Weakly Allied States Make Committed Coalition Partners," *Journal of Conflict Resolution* 65, 5: 889-918, <DOI: 10.1177/0022002720978800>.
10. Global Firepower (GFP). (2021) *2021 Military Strength Ranking*. Available at: <https://www.globalfirepower.com> (Accessed 2 February 2021).
11. Huntington, Samuel P. (1999, March/ April) "The Lonely Superpower," *Foreign Affairs* 78, 2: 35-49. Available at: <https://www.foreignaffairs.com/articles/united-states/1999-03-01/lonely-superpower> (Accessed 4 April 2020).
12. Ikenberry, John G. (2018) "The End of Liberal International Order?" *International Affairs* 94, 1: 7-23, <DOI:10.1093/ia/iix241>.

13. Manson, Katrina, et al. (2020, January 5) "Donald Trump Threatens 52 Targets If Iran Takes Revenge." *Financial Times*. Available at: <https://www.ft.com/content/c6a2d378-2f9d-11ea-9703-eea0cae3f0de> (Accessed 5 May 2020)
14. McInnis, Kathleen J. (2018, February 5) *The 2018 National Defense Strategy*. Available at: <https://sgp.fas.org/crs/natsec/IN10855.pdf> (Accessed 4 April 2020).
15. Mearsheimer, John J. (2019, Spring) "Bound to Fail: The Rise and Fall of the Liberal International Order," *International Security* 43, 4: 7-50, <DOI:10.1162/ISEC_a_00342>.
16. Milligan, Ashlyn. (2008) "Targeting Cultural Property: The Role of International Law," *Journal of Public and International Affairs* 19: 91-106. Available at: <https://jpia.princeton.edu/sites/jpia/files/2008-5.pdf> (Accessed 29 May 2020).
17. Nye, Joseph S. (2012, March) "The Twenty-First Century Will Not Be a 'Post-American' World," *International Studies Quarterly* 56, 1: 215-217, <DOI:10.1111/j.1468-2478.2011.00698.x>.
18. Office of the Secretary of Defense. (2018, February)) *Nuclear Posture Review*. Washington, DC: DOD. Available at: <https://media.defense.gov/2018/Feb/02/2001872886/-1/-1/1/2018-Nuclear-posture-review-final-report.pdf> (Accessed 29 May 2020).
19. O'Keefe, Roger, et al. (2016) *Protection of Cultural Property: Military Manual*. Paris: UNESCO. Available at: <http://www.unesco.org/new/fileadmin/MULTIMEDIA/HQ/CLT/pdf/MilitaryManuel-En.pdf> (Accessed 4 April 2020).
20. O'Rourke, Ronald. (2021, January 21) "U.S. Role in the World: Background and Issues for Congress," *CRS Report R44891*. Available at: <https://crsreports.congress.gov/product/pdf/R/R44891> (Accessed 4 April 2020).
21. Pamuk, Humevra and Matt Spetalnick. (2021, January 11) "Pompeo says Iran gives al Qaeda New 'Home Base,' Analysts Skeptical," *Reuters*. Available at: <https://www.reuters.com/article/usa-iran-pompeo-int-idUSKBN29H038> (Accessed 4 February 2021).
22. Phillips, James. (2021) "Iran," in Dakota L. Wood, ed. (2021) *2021 Index of U.S. Military Strength*. Washington, DC: the Heritage Foundation. Available at: https://www.heritage.org/sites/default/files/2020-11/2021_IndexOfUSMilitaryStrength_WEB_0.pdf (Accessed 29 May 2020).
23. Posen, Barry. (2007, November-December) "The Case for Restraint," *The American Interest* 3, 2: 7-17. Available at: <https://www.the-american-interest.com/2007/11/01/the-case-for-restraint> (Accessed 29 May 2020).
24. SIPRI. (2020_a, April 27) "Global Military Expenditure sees Largest Annual Increase in a Decade—says SIPRI—Reaching \$1917 billion in 2019," Available at: <https://www.sipri.org/media/press-release/2020/global-military-expenditure-sees-largest-annual-increase-decade-says-sipri-reaching-1917-billion> (Accessed 4 April 2020).
25. ———. (2020_b) "TIV of Arms Exports from all, 2015-2019," *SIPRI Arms Transfers Database*. Available at: <http://armstrade.sipri.org/armstrade/page/toplist.php> (Accessed 4 April 2020).
26. Snyder, Glenn H. (1984, July) "The Security Dilemma in Alliance Politics," *World Politics* 36, 4: 461-95, <DOI:10.2307/2010183>.
27. Strange, Susan. (1987) "The Persistent Myth of Lost Hegemony," *International Organization* 41, 4: 551-74, <DOI:10.1017/S0020818300027600>.
28. UNCTAD. (2020) *World Investment Report 2020: International Production Beyond Pandemic*. Available at: <https://unctad.org/webflyer/world-investment-report-2020> (Accessed 4 April 2020).
29. UNDP. (2020) *Human Development Report*. UNDP. Available at: <http://hdr.undp.org/en/2020-report> (Accessed 4 April 2020).

30. U.S. Department of Defense. (2018) *Summary of the 2018 National Defense Strategy: Sharpening the American Military's Competitive Edge*. Available at: <https://dod.defense.gov/Portals/1/Documents/pubs/2018-National-Defense-Strategy-Summary.pdf> (Accessed 4 April 2020).
31. U.S. Department of Homeland Security. (2020, October) *Homeland Threat Assessment*. Available at: https://www.dhs.gov/sites/default/files/publications/2020_10_06_homeland-threat-assessment.pdf (Accessed 4 April 2020).
32. Walt, Stephen M. (1985) "Alliance Formation and the Balance of World Power," *International Security* 9, 4: 3-43. Available at: <https://www.muse.jhu.edu/article/446108> (Accessed 2 October 2020).
33. ———. (2019, July 22) "Restraint Isn't Isolationism—and It Won't Endanger America," *Foreign Policy*. Available at: <https://foreignpolicy.com/2019/07/22/restraint-isnt-isolationism-and-it-wont-endanger-america-offshore-balancing-quincy-institute> (Accessed 8 November 2021).
34. White House. (2002, September) *The National Security Strategy of the U.S. of America*. Available at: <https://2009-2017.state.gov> (Accessed 2 July 2020).
35. ———. (2017, December) *National Security Strategy of the U.S. of America*. Available at: <https://trumpwhitehouse.archives.gov> (Accessed 2 July 2020).
36. World Bank. (2020) *DataBank: World Development Indicators*. Available at: <https://databank.worldbank.org/reports.aspx?source=2&series=NY.GDP.MKTP.CD&country=/> (Accessed 2 July 2020).



Research Paper

Great Power Rivalries and the Persistence of Iran-U.S. Adversarial Relations

Saideh Lotfian^{1*}, Mehdi Faghii²

¹ Professor, Faculty of Law & Political Science, University of Tehran, Iran

² PhD in Political Science, Faculty of Law & Political Science, University of Tehran, Iran

Received: 19 February 2021, Accepted: 25 October 2021

© University of Tehran

Abstract

A main objective of this paper is to advance debates over the adverse impact of intensified great power competition on Iran's relations with the United States in the security domain. A key international factor to explain the confrontational nature of Iran-US relations over the past four decades is the rivalries of the great powers over global domination and supremacy. As China (and possibly Russia) seek to alter their relatively inferior power position in the international system, they might eventually succeed in overtaking the U.S. as the global leader. The article then explains that the evidence provided by the Trump administration did not verify its claims that Iran has been the key threat to the security of the region. Despite the absence of a salient "Iran threat", the US has increased its military presence in the region. With the help of Iran's regional adversaries which have challenged the conflict resolution efforts aimed at ending the two states' persistent enmity, key American realist and neocon politicians have been persuaded that the U.S. have the most to gain from "*Īrān'harāsi*" (illogical fear of Iran) than resolving the Iran-US dispute. There is also a group of Iranian hardline stakeholders who have sneered at the adverse outcome of the heightened tensions if the current climate of Iran-U.S. cold war would become a permanent feature of Iran's foreign relations. Among the questions addressed here are what systemic factors have influenced Iran's position in the U.S. national security strategy? Why and how do US hegemonic aspiration and the great power competitions affect Iran-U.S. relations? Four main conclusions are presented: First, the great power rivalries over the expansion of global supremacy will increase and will have an unfavorable impact on the security of the Persian Gulf. Second, the closer Iran gets to China and Russia to counterbalance the US enmity towards the Iranian regime, the more determined American politicians would become to reinforce U.S. ties with its regional allies and partners. Third, the change in

* Corresponding Author Email: slotfian@ut.ac.ir

Iran's foreign policy behaviors depends on the removal of US economic sanctions, but Iran is most likely to continue safeguarding its ties with the state- and non-state players within the “*mehvar-e moghāvemai*” (Axis of Resistance) to gain a more advantageous regional status. Fourth, the deepening of cooperation between Israel and the Arab states will have very little impact on Iran-U.S. relations, but it will decrease the probability of Iranian leaders to abandon the country's ballistic missiles program in exchange for U.S. return to the JCPOA.

Keywords: Iran-U.S. Relations, Hegemony, Hostility, Great Power Rivalries, Balance of Threat

Acknowledgments

The authors would like to thank the anonymous referees of the *PQJ* for providing helpful comments to improve this work.

Declaration of conflicting interests

The authors declared no potential conflicts of interest with respect to the research, authorship, and/or publication of this article.

Funding

The authors received no financial support for the research, authorship, and/or publication of this article.

ORCID iDs: <https://orcid.org/0000-0003-0624-3938>

References

- Brannen, Samuel. (2021, January 28) "A Better Way to Identify and Address Threats to National Security," *CSIS Transition46 Series*. Available at: <https://www.csis.org/analysis/better-way-identify-and-address-threats-national-security> (Accessed 10 February 2021).
- Brown, Seyom. (2018) "The Trump Administration's Nuclear Posture Review (NPR), in Historical Perspective," *Journal for Peace and Nuclear Disarmament* 1, 2: 268-280, <DOI:10.1080/25751654.2018.1494092>.
- Bureau of Economic Analysis (BEA). (2020) *Direct Investment by Country and Industry, 2019*. Available at: <https://www.bea.gov/data/intl-trade-investment/direct-investment-country-and-industry> (Accessed 24 July 2020).
- Cheng, Dean. (2021) "China," in Dakota L. Wood, ed. (2021) *2021 Index of U.S. Military Strength*. Washington, DC: the Heritage Foundation. Available at: https://www.heritage.org/sites/default/files/2020-11/2021_IndexOfUSMilitaryStrength_WEB_0.pdf (Accessed 29 May 2020).
- Coats, Daniel R., Director of National Intelligence. (2019, January 29) *Worldwide Threat Assessment of the US Intelligence Community: Statement for the Record before the Select Committee on Intelligence, US Senate*. Washington DC: Office of the DNI. Available at:

- <https://www.dni.gov/files/ODNI/documents/2019-ATA-SFR---SSCI.pdf> (Accessed 12 March 2020).
- Colucci, Lamont. (2018, Summer) "American Doctrine: The Foundation of Grand Strategy," *World Affairs* 181, 2: 133-160, <DOI:10.1177/0043820018790793>.
- Gannon, J. Andres; and Daniel Kent. (2020) "Keeping Your Friends Close, but Acquaintances Closer: Why Weakly Allied States Make Committed Coalition Partners," *Journal of Conflict Resolution* 65, 5: 889-918, <DOI: 10.1177/0022002720978800>.
- Global Firepower (GFP). (2021) *2021 Military Strength Ranking*. Available at: <https://www.globalfirepower.com> (Accessed 2 February 2021).
- Huntington, Samuel P. (1999, March/ April) "The Lonely Superpower," *Foreign Affairs* 78, 2: 35-49. Available at: <https://www.foreignaffairs.com/articles/ united-states/1999-03-01/lonely-superpower> (Accessed 4 April 2020).
- Ikenberry, John G. (2018) "The End of Liberal International Order?" *International Affairs* 94, 1: 7-23, <DOI:10.1093/ia/iix241>.
- Manson, Katrina, et al. (2020, January 5) "Donald Trump Threatens 52 Targets If Iran Takes Revenge," *Financial Times*. Available at: <https://www.ft.com/content/c6a2d378-2f9d-11ea-9703-eea0cae3f0de> (Accessed 5 May 2020)
- McInnis, Kathleen J. (2018, February 5) *The 2018 National Defense Strategy*. Available at: <https://sgp.fas.org/crs/natsec/IN10855.pdf> (Accessed 4 April 2020).
- Mearsheimer, John J. (2019, Spring) "Bound to Fail: The Rise and Fall of the Liberal International Order," *International Security* 43, 4: 7-50, <DOI:10.1162/ISEC_a_00342>.
- Milligan, Ashlyn. (2008) "Targeting Cultural Property: The Role of International Law," *Journal of Public and International Affairs* 19: 91-106. Available at: <https://jpia.princeton.edu/sites/jpia/files/2008-5.pdf> (Accessed 29 May 2020).
- Nye, Joseph S. (2012, March) "The Twenty-First Century Will Not Be a 'Post-American' World," *International Studies Quarterly* 56, 1: 215-217, <DOI:10.1111/j.1468-2478.2011.00698.x>.
- Office of the Secretary of Defense. (2018, February)) *Nuclear Posture Review*. Washington, DC: DOD. Available at: <https://media.defense.gov/2018/Feb/02/2001872886/-1/-1/1/2018-Nuclear-posture-review-final-report.pdf> (Accessed 29 May 2020).
- O'Keefe, Roger, et al. (2016) *Protection of Cultural Property: Military Manual*. Paris: UNESCO. Available at: <http://www.unesco.org/new/fileadmin/MULTIMEDIA/HQ/CLT/pdf/MilitaryManuel-En.pdf> (Accessed 4 April 2020).
- O'Rourke, Ronald. (2021, January 21) "U.S. Role in the World: Background and Issues for Congress," *CRS Report R44891*. Available at: <https://crsreports.congress.gov/product/pdf/R/R44891> (Accessed 4 April 2020).
- Pamuk, Humeyra and Matt Spetalnick. (2021, January 11) "Pompeo says Iran gives al Qaeda New 'Home Base,' Analysts Skeptical," *Reuters*.

- Available at: <https://www.reuters.com/article/usa-iran-pompeo-int-idUSKBN29H038> (Accessed 4 February 2021).
- Phillips, James. (2021) "Iran," in Dakota L. Wood, ed. (2021) *2021 Index of U.S. Military Strength*. Washington, DC: the Heritage Foundation. Available at: https://www.heritage.org/sites/default/files/2020-11/2021_IndexOfUSMilitary_Strength_WEB_0.pdf (Accessed 29 May 2020).
- Posen, Barry. (2007, November-December) "The Case for Restraint," *The American Interest* 3, 2: 7-17. Available at: <https://www.the-american-interest.com/2007/11/01/the-case-for-restraint> (Accessed 29 May 2020).
- Shirkhani, Mohammadali; and Mehdi Sobhani. (2013) "Eghtesād-e siyāsī-ye nezāmi'gari va modākheleh-ye Amricā dar Afghānestān (Political Economy of Militarism and American Military Intervention in Afghanistan)," *Fasnāmeḥ-ye Siyāsāt (Politics Quarterly)* 43, 4: 117-134, <DOI:10.22059/jpq.2013.50501>. [in Persian]
- SIPRI. (2020_a, April 27) "Global Military Expenditure sees Largest Annual Increase in a Decade—says SIPRI—Reaching \$1917 billion in 2019," Available at: <https://www.sipri.org/media/press-release/2020/global-military-expenditure-sees-largest-annual-increase-decade-says-sipri-reaching-1917-billion> (Accessed 4 April 2020).
- . (2020_b) "TIV of Arms Exports from all, 2015-2019," *SIPRI Arms Transfers Database*. Available at: <http://armstrade.sipri.org/armstrade/page/toplist.php> (Accessed 4 April 2020).
- . (2020_c) *SIPRI Yearbook 2020: Armaments, Disarmament and International Security, Summary*, trans. Saideh Lotfian. Oxford: Oxford University Press, for SIPRI. [in Persian] Available at: https://www.sipri.org/sites/default/files/2021-03/yb20_summary_fa_v3.pdf (Accessed 2 April 2021).
- Snyder, Glenn H. (1984, July) "The Security Dilemma in Alliance Politics," *World Politics* 36, 4: 461-95, <DOI:10.2307/2010183>.
- Strange, Susan. (1987) "The Persistent Myth of Lost Hegemony," *International Organization* 41, 4: 551-74, <DOI:10.1017/S0020818300027600>.
- UNCTAD. (2020) *World Investment Report 2020: International Production Beyond Pandemic*. Available at: <https://unctad.org/webflyer/world-investment-report-2020> (Accessed 4 April 2020).
- UNDP. (2020) *Human Development Report*. UNDP. Available at: <http://hdr.undp.org/en/2020-report> (Accessed 4 April 2020).
- U.S. Department of Defense. (2018) *Summary of the 2018 National Defense Strategy: Sharpening the American Military's Competitive Edge*. Available at: <https://dod.defense.gov/Portals/1/Documents/pubs/2018-National-Defense-Strategy-Summary.pdf> (Accessed 4 April 2020).
- U.S. Department of Homeland Security. (2020, October) *Homeland Threat Assessment*. Available at: https://www.dhs.gov/sites/default/files/publications/2020_10_06_homeland-threat-assessment.pdf (Accessed 4 April 2020).

- Walt, Stephen M. (1985) "Alliance Formation and the Balance of World Power," *International Security* 9, 4: 3-43. Available at: <https://www.muse.jhu.edu/article/446108> (Accessed 2 October 2020).
- . (2019, July 22) "Restraint Isn't Isolationism—and It Won't Endanger America," *Foreign Policy*. Available at: <https://foreignpolicy.com/2019/07/22/restraint-isnt-isolationism-and-it-wont-endanger-america-offshore-balancing-quincy-institute> (Accessed 8 November 2021).
- White House. (2002, September) *The National Security Strategy of the U.S. of America*. Available at: <https://2009-2017.state.gov> (Accessed 2 July 2020).
- . (2017, December) *National Security Strategy of the U.S. of America*. Available at: <https://trumpwhitehouse.archives.gov> (Accessed 2 July 2020).
- World Bank. (2020) *DataBank: World Development Indicators*. Available at: <https://databank.worldbank.org/reports.aspx?source=2&series=NY.GDP.MKTP.CD&country=/> (Accessed 2 July 2020).



This article is an open-access article distributed under the terms and conditions of the Creative Commons Attribution (CC-BY) license.